

ارائه تعریف جدیدی از «تصور از الوهیت» به مثابه الگویی برای فهم روشن‌تر از چیستی او

محمد رضا بیات*

DOI: 10.22096/rc.2024.2035266.1203

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷]

چکیده

در این مقاله با ارائه تعریفی از «تصور از الوهیت»، به مثابه الگویی برای فهم روشن‌تر و دقیق‌تر از چیستی الوهیت، نشان داده شده است که هر تصویری از الوهیت از مؤلفه‌های سه‌گانه تمایز/عدم تمایز، تعالی/عدم تعالی و شخص‌وارگی/ناشخص‌وارگی الوهیت سامان یافته است. سپس با ایضاح مفهومی هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه فوق بیان شده است که دفاع از هر یک از مؤلفه‌های فوق دلایل ویژه خویش را دارد و نباید آنها را با همدیگر خلط کرد، وگرنه دچار نوعی ناسازواری در تصور خویش از الوهیت خواهیم شد. در نهایت، نتیجه گرفته شده است که اولاً، ادله اثبات وجود خداوند را نباید با تصور از الوهیت/خدا یکی گرفت؛ ثانیاً، با تکیه بر تعریف فوق از تصور از الوهیت، می‌توان فهم دقیق‌تری از تصورات سه‌گانه تئستی، پنتئستی و پنتنتئستی از الوهیت ارائه کرد؛ ثالثاً، می‌توان تفسیری از اوصاف الوهیت ارائه داد که با تصور خویش از الوهیت سازوار باشد.

واژگان کلیدی: الوهیت؛ خدا؛ تمایز؛ تعالی؛ شخص‌وارگی؛ ناشخص‌وارگی.

* دانشیار، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.



۱. مقدمه

الوهیت (deity) یا به تعبیر دینی، خداوند (God)،^۱ اساسی‌ترین آموزه در ادیان و مهم‌ترین موضوع در فلسفه دین است. از این رو، درباره آن بسیار تأمل شده و آثاری فراوانی نگاشته شده است، ولی همانطور که در متون دینی اشاره شده است، سرشت الوهیت به گونه‌ای است که نه تنها این تأملات و نگاشته‌ها به توصیف و تصور روشن و دقیقی از وی نینجامیده است، بلکه الاهی‌دانان و فیلسوفان در یک دین خاص هم درباره او اختلاف نظرهای متفاوت و گاه متعارضی دارند؛ اگرچه الاهی‌دانان در ادیان و فیلسوفان دین با تکیه بر ادله گوناگون هستی‌شناختی، جهان‌شناختی، اخلاقی و... تلاش کرده‌اند تا با تکیه بر یکی از اوصاف متافیزیکی وی،^۲ وجود او را اثبات کنند، اثبات یکی از اوصاف وی بیانگر چیستی وی نیست، زیرا در این ادله نشان داده نشده است؛ بنابراین تنها به مدد ادله اثبات وجود الوهیت چیستی سرشت وی نشان داده نشده است؛ بنابراین تنها به مدد ادله اثبات وجود الوهیت نمی‌توان به چیستی وی دست یافت و باید راه دیگری را گشود تا با تکیه بدان بتوان به شناخت چیستی وی رسید. به نظر می‌رسد به مدد ارائه تعریفی از «تصور از الوهیت یا خداوند» (Conception of the divine Or God) بتوان تا حدودی به چیستی وی راه یافت.

البته، در الاهیات یهودی مسیحی و کلام و فلسفه اسلامی با تکیه بر آموزه‌های دینی^۳ و

۱. در این مقاله از تعبیر «الوهیت» استفاده شد، زیرا علاوه بر اینکه تعبیری فلسفی است و متناسب با شاکله فلسفی مقاله است، می‌تواند دیدگاه‌های گوناگون مؤمنان در ادیان را درباره خداوند هم پوشش دهد.

۲. اوصاف خداوند به دو بخش اوصاف متافیزیکی مانند بساطت، فرازمان و فرامکان بودن و انفعال‌ناپذیری و تغییرناپذیری و اوصاف انسانی مانند علم، قدرت، خیرخواهی، عفو و بخشش تقسیم شده است که اوصاف متافیزیکی برگرفته از دیدگاه‌های فلسفی و اوصاف انسانی برگرفته از متون مقدس است.

Huw Parri Owen, *concept of deity* (London and Basingstok: Macmikkan And Co Ltd, 1971).

۳. روایاتی در این زمینه وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

(۱) رسول الله صلی الله علیه و آله: تَفَكَّرُوا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي ذَاتِ اللَّهِ؛ علی ابن حسام‌الدین متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، (بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق)، ۵۷۰۴.

(۲) رسول الله صلی الله علیه و آله: تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِ اللَّهِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي اللَّهِ. فَتَهْلِكُوا؛ متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ۵۷۰۵.

(۳) رسول الله صلی الله علیه و آله: تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَ لَا تَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ؛ فَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ قَدْرَهُ؛ متقی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ۵۷۰۶.

(۴) خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى قَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ، فَقَالَ: مَا لَكُمْ تَتَكَلَّمُونَ؟ فَقَالُوا: نَتَفَكَّرُ فِي خَلْقِ اللَّهِ. عَزَّ وَ جَلَّ، فَقَالَ: وَ كَذَلِكَ فَافْعَلُوا، تَفَكَّرُوا فِي خَلْقِهِ، وَ لَا تَتَفَكَّرُوا فِيهِ؛ مسعود بن عیسی ورام، تنبیه الخواطر و نزہة النواظر (بیروت: مکتبة الفقیه ۱۴۱۰ ق)، ۱-۲۵۰.

(۵) امام علی علیه السلام: مَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَلْحَدَ؛ عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الحکم (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴)، ۸۴۸۷.

(۶) امام الصادق علیه السلام: إِيَّاكُمْ وَ التَّفَكَّرَ فِي اللَّهِ؛ فَإِنَّ التَّفَكَّرَ فِي اللَّهِ لَا يَزِيدُ إِلَّا تِيهًا، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا تُدْرِكُهُ

دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی با تفکیک میان ذات الوهیت و اوصاف وی این نکته پذیرفته شده است که ذات الوهیت ناشناختنی است و راهی به شناخت آن نیست، زیرا الوهیت مهم‌ترین راز هستی است و نباید در ذات الوهیت تأمل کرد؛ اما دستیابی به چیستی الوهیت به مدد تصویری از وی با آموزه‌های دینی ناسازگار نیست؛ زیرا حتی اگر بپذیریم با تکیه بر تصویری از الوهیت می‌توان تا حدودی از چیستی وی آگاه شد، ولی با معرفت به ذات الوهیت بسیار فاصله دارد.

در این مقاله با ارائه تعریف خاصی از «تصور از الوهیت یا خداوند» نشان داده شده است که اولاً، هر تصویری از الوهیت بر اتخاذ موضع درباره سه مؤلفه^۱ تمایز (distinction) یا عدم تمایز (No distinction) الوهیت از اوصاف وی و از ماسوای وی و ۲) تعالی (Transcendence) یا عدم تعالی (Transcendence-Non) وی از منظر وجودی، مفهومی، معرفت‌شناختی، منطقی، اخلاقی و زیباشناختی و در نهایت، ۳) شخص‌وارگی (Personality) یا ناشخص‌وارگی (Impersonality) وی استوار است.^۴ بنابراین، اولاً، هر تصویری از الوهیت محصول اتخاذ موضع درباره سه مؤلفه فوق است و به کمک آن می‌توان تا حدودی به چیستی وی آگاه شد؛ ثانیاً، اتخاذ موضع درباره هر یک از سه مؤلفه فوق ادله متناسب با خویش را دارد و نباید ادله هر یک را با دیگری خلط کرد؛ ثالثاً، باید تلاش کرد تا اتخاذ موضع درباره هر یک از سه مؤلفه فوق با همدیگر ناسازگار نباشند، وگرنه تصویری غیرقابل دفاع خواهد بود.

بنابراین، با تکیه بر تعریف فوق از تصور از الوهیت، می‌توان اولاً، جایگاه مسائل گوناگون درباره الوهیت مانند نسبت اوصاف متافیزیکی الوهیت با اوصاف انسانی وی را نشان داد، زیرا از یک سو، هیچ یک از اوصاف متافیزیکی و انسانی الوهیت را نمی‌توان نادیده گرفت، چون رد و طرد اوصاف متافیزیکی وی مانند بساطت الوهیت مستلزم پذیرش اوصاف رقیب مانند ترکیب او است که به راحتی بدانها نمی‌توان تن داد. از سوی دیگر، تفسیر سلبی از اوصاف انسانی الوهیت به مثابه راحت‌ترین و سازگارترین راه حل هم با مشکلاتی مانند ناسازگاری با تأکید متون مقدس به ترغیب به شناخت الوهیت و عدم امکان و عدم معقولیت پرستش الوهیت مواجه‌اند، یعنی مستلزم پرستش موجودی است که از وی هیچ شناختی وجود ندارد که نامعقول است. ثانیاً، راه را برای ارائه^۱ معناشناسی سازواری از اوصاف متافیزیکی و

الأبصار و لا یوصف بمقدار؛ ابی جعفر محمد ابن علی بن الحسین بابویه القمی معروف به شیخ صدوق، الامالی الصدوق (بیروت: المؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۰ ق)، ۵۰۳-۶۹۰.

۴. مؤلفه‌های سه‌گانه برای هر تصور از امر الوهی نتیجه حصر عقلی نیست و چه بسا بتوان بدان‌ها افزود یا از آنها کاست، یعنی به همدیگر فروکاست.

انسانی الوهیت و ۲) تبیین معقولی از ارتباط الوهیت با ماسوای خویش که اوصافی کاملاً متضاد با اوصاف الوهیت دارند، خواهد گشود. ثالثاً، می‌توان به مدد آن، تبیین روشنی از تصورات سه‌گانه تئیستی (theism) یا خداباوری سنتی، پنتئیستی (Pantheism) و پانتئیستی (Panentheism) از الوهیت ارائه کرد؛ یعنی وجوه اختلاف و اشتراک نظر هر یک از تصورات سه‌گانه فوق را به مدد نوع دیدگاه‌های آنها درباره سه مؤلفه فوق نشان داد. البته، دستیابی به تصویری سازوار و قابل دفاع از الوهیت بسیار دشوار است و چه‌بسا بتوان به این نتیجه رسید که اگرچه مؤلفه‌های سه‌گانه فوق چارچوب مناسبی برای دستیابی به چیستی الوهیت‌اند، اتخاذ موضعی سازوار درباره مؤلفه‌های سه‌گانه بسیار دشوار است.

در این بخش با ارائه تعریف روشنی از مؤلفه‌های سه‌گانه تصور از الوهیت، می‌کوشیم تا با تکیه بر آنها، تصورات سه‌گانه از الوهیت را و دیدگاه‌های گوناگون درباره اثبات یا نفی هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه را توضیح داده و ارزیابی کنیم.

۲. تمایز / عدم تمایز امر الوهی

تمایز یا عدم تمایز الوهیت به معنای تمایز عددی است؛ یعنی الوهیت یا خدا را می‌توان در شمار یکی از موجودات هستی قرار داد یا وی در تاروپود هستی ساری است. این مؤلفه از تصور الوهیت به معنای ۱) تمایز یا عدم تمایز وی از اوصاف خویش و ۲) تمایز یا عدم تمایز وی (ذات و اوصاف وی) از غیرخویش یا ماسوای او است. به بیان دیگر، ابتدا باید نشان داد که الوهیت با اوصاف خویش این‌همان است و تمایزی ندارند یا این‌همان نیستند و متمایزند، سپس چه وی را متمایز از اوصاف خویش بدانیم چه ندانیم، باید روشن کرد که وی از غیرخویش متمایز است یا متمایز نیست. در تصور تئیستی از الوهیت، اگرچه دیدگاه‌های گوناگونی درباره تمایز یا عدم تمایز وی از اوصاف خویش ارائه شده است، درباره تمایز وی از غیرخویش اتفاق نظر وجود دارد. در کلام و فلسفه اسلامی درباره تمایز یا عدم تمایز وی از اوصاف خویش دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است و به تبیین نسبت ذات و صفات پرداخته‌اند. نظریه‌های قدماء ثمانیه اشاعره، نیابت از صفات منسوب به معتزله و عینیت ذات و صفات برخی متکلمان امامیه و فیلسوفان مسلمان با تقریرهای متفاوت از زمره دیدگاه‌های اساسی در این زمینه است که هر یک در دفاع از نظریه خویش ادله عقلی و نقلی ارائه کرده‌اند؛^۵ اما نکته قابل توجه درباره تمایز یا عدم تمایز الوهیت از غیرخویش این است که به

۵. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان دیدگاه‌های فیلسوفان و متکلمان مسلمان را به ۱) اثبات و ۲) نفی صفات تقسیم کرد.

ارائه تعریف جدیدی از «تصور از الوهیت» به‌مثابه... / بیات ۶۳

نظر می‌رسد که متکلمان و فیلسوفان در ادیان ابراهیمی تمایز الوهیت از غیرخویش را مسلم گرفته‌اند و در نتیجه، استدلال خاصی در اثبات تمایز او از غیرخویش نیاورده‌اند؛ زیرا تحت تأثیر کتب مقدس الوهیت را متمایز از غیرخویش می‌دانسته‌اند و در ادله اثبات وی نیز تلاش کرده‌اند تا با تکیه بر یکی از اوصاف وی، یک موجود متمایز را اثبات کنند. به همین جهت، فیلسوفی مانند باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷) (Baruch Spinoza) فیلسوف یهودی که برخلاف دیدگاه رایج از عدم تمایز الوهیت دفاع کرده، کوشیده است در دفاع از عدم تمایز الوهیت استدلال ارائه کند.^۶

اما در تصور پنتئیستی از الوهیت مانند تصور اسپینوزا، وی از اوصاف خویش و از غیرخویش متمایز نیست.^۷ با این حال ابن عربی (۱۱۶۵-۱۲۴۰) عارف مسلمان در تصور پنتئیستی خویش با تکیه بر باور به وجود ساحات یا مراتب پنج‌گانه الوهیت یا مایستراکهارت (۱۳۲۸-۱۲۶۰) (Meister Eckhart) عارف مسیحی در قرن سیزدهم به مدد باور به مراتب سه‌گانه الوهیت به گونه‌ای بین تصور تئستی و پنتئیستی جمع کرده‌اند، زیرا از یک‌سو، به مدد باور به ساحات الوهیت بین ذات، اسماء، صفات الوهیت و غیرالوهیت تمایز قائل شده‌اند و از سوی دیگر، با توجه به اینکه ساحات الوهیت را یک حقیقت می‌دانند، تمایزی بین ذات و اوصاف و غیر الوهیت قائل نیستند.^۸

۳. تعالی یا عدم تعالی

تعالی یا عدم تعالی^۹ مفهومی، معرفتی، منطقی، اخلاقی و زیباشناختی الوهیت، مؤلفه دیگر هر تصویری از الوهیت است که باید آنها را متناسب با متعلق‌های فوق معنا کرد؛ اما در نگاهی کلی، تعالی و عدم تعالی الوهیت بدان معنا است که سرشت الوهیت فراتر از قابلیت‌ها و توانایی‌های انسانی است یا فراتر نیست و می‌توان دست‌کم تا حدودی به مدد قابلیت‌ها و توانایی‌های انسانی به وی نزدیک شد. اگر سرشت الوهیت را به گونه‌ای بدانیم که به هیچ‌وجه

هر یک از مدافعان دو رویکرد در دفاع از رویکرد خویش به ادله عقلی و نقلی توسل جسته‌اند. جدا از نظریه قدماء ثمانیه اشاعره، مدافعان رویکرد نفی صفات کوشیده‌اند تا نظریه نیابت منسوب به معتزله و حتی نظریه عینیت ذات و صفات را به نظریه نفی صفات تحویل ببرند.

6. Richard Mason, *The God Of Spinoza*, Cambridge (New York, Melbourne, Madrid, Cape Town: Singapore, Sao Paulo, Delhi, Cambridge University Press, 1999).

7. Mason, *The God Of Spinoza*, 45-50.

۸. قاسم کاکایی، وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستراکهارت (تهران: هرمس، ۱۳۹۳)، ۵۵۰-۵۶۰.

۹. تعالی یا عدم تعالی با معنای تعالی خداوند در متون مقدس تفاوت دارد. از این‌رو، در این تعبیر تعالی یا عدم تعالی بار ارزشی مثبت یا منفی ندارد.

توانیم نه به مدد مفاهیم انسانی درباره وی سخن بگوییم نه با استدلال‌ها و روش‌های عقلی به وی معرفت پیدا کنیم نه وی را محکوم و ملزم به رعایت قواعد و ضوابط منطقی، ارزش‌های اخلاقی و زیباشناختی بدانیم، از تعالی الوهیت دفاع کرده‌ایم، ولی اگر معتقد باشیم که هم می‌توان به کمک مفاهیم انسانی درباره وی سخن گفت، هم با روش‌ها و استدلال‌های عقلی به وی معرفت پیدا کرد و وی را نیز محکوم قواعد و ضوابط منطقی و ارزش‌های اخلاقی^{۱۰} و زیباشناختی بدانیم، از عدم تعالی وی دفاع کرده‌ایم.^{۱۱}

اگرچه باور به تعالی یا عدم تعالی در حوزه‌های فوق یکسان نیست، یعنی می‌توان از عدم تعالی مفهومی و معرفتی و منطقی الوهیت دفاع کرد، می‌توان به تعالی اخلاقی و زیباشناختی باور داشت؛ اما نمی‌توان به تعالی مفهومی الوهیت باور داشت، ولی از عدم تعالی معرفتی وی دفاع کرد؛ زیرا اگر بتوان مفاهیم انسانی را درباره وی به کار برد، می‌توان تا حدودی به معرفت الوهیت هم دست یافت و همین اندازه برای عدم تعالی معرفتی وی کافی است. از این رو، لازمه باور به تعالی مفهومی وی، باور به عدم تعالی معرفتی وی نیز است.

در فلسفه و کلام مسیحی و اسلامی دیدگاه‌های گوناگونی درباره تعالی یا عدم تعالی الوهیت ارائه شده است. با نگاهی از بالا به دیدگاه‌های فوق، می‌توان گفت که بیشتر دیدگاه‌های فلسفی، الاهیاتی و کلامی عقل‌گرا از عدم تعالی مفهومی، معرفتی، منطقی، اخلاقی و زیباشناختی دفاع کرده‌اند و بیشتر دیدگاه‌های الاهیاتی غیرعقلگرا مانند نص‌گرایان یا ایمان‌گرایان از تعالی الوهیت دفاع کرده و نوعی الهیات سلبی ارائه کرده‌اند. اگرچه در دفاع از هر نوع تعالی یا عدم تعالی الوهیت مانند تعالی یا عدم تعالی مفهومی یا معرفتی یا اخلاقی ادله خاصی ارائه شده است، بنیان استدلال‌های آنان بر رویکردی استوار است که از سرشت الوهیت دارند. به بیان دیگر، تحت تأثیر برخی از آیات کتب مقدس یا اندیشه‌های خاص فلسفی دستیابی به سرشت الوهیت را ممکن یا غیرممکن یا دست‌کم، دشوار می‌دانند سپس در مقام دفاع از انواع تعالی یا عدم تعالی ادله‌های متناسب با رویکرد خویش را ارائه کرده‌اند.

در تصور تئستی از الوهیت بیشتر از عدم تعالی الوهیت دفاع شده است، ولی دفاع از تعالی الوهیت نیز وجود داشته است. در تصور پنتئیستی از الوهیت مانند تفسیر پنتئیستی از

۱۰. مقاله زیر از عدم تعالی اخلاقی خداوند دفاع کرده است:

ابوالقاسم فنایی، «خدا همچون کنشگری اخلاقی (۱)»، هستی و شناخت ۹، شماره ۱ (اردیبهشت ۱۴۰۱): ۴۱-۷۰، <https://doi.org/10.22096/ek.2024.2019761.1535>

۱۱. کاکایی، وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستراکهارت، ۵۹۷-۶۲۴.

ارائه تعریف جدیدی از «تصور از الوهیت» به‌مثابه... / بیات ۶۵

اسپینوزا، دفاع از تعالی الوهیت زمینه ندارد، زیرا الوهیت و جهان این‌همان گرفته شده‌اند؛ اما در تصور پنتئستی به تعبیر ابن‌عربی، در ساحت احدیت یا غیب الغیوب از تعالی الوهیت دفاع کرده، ولی از عدم تعالی در دیگر ساحت‌ها مانند ساحت اسماء و صفات دفاع می‌کنند.

۴. شخص‌وارگی یا ناشخص‌وارگی

مؤلفه دیگر هر تصور از الوهیت باور به شخص‌وارگی یا ناشخص‌وارگی او است. با تفکیک میان شخص (Person) بودن و شخص‌وارگی الوهیت می‌توان نشان داد که اگرچه باور به شخص‌بودن الوهیت، مستلزم اشکالاتی مانند محدودیت، داشتن بدن یا... الوهیت است. اما باور به شخص‌وارگی او چنین نیست زیرا شخص‌وارگی الوهیت به معنای باور به وجود ویژگی‌های خاصی در الوهیت است که مستلزم اشکالات شخص‌بودن الوهیت نیست. ۱۲. به باور آلوین پلانتینگا (۱۹۳۲) (Plantinga Alvin) (۱) آگاهی از خویش و غیرخویش (۲) برخوردار از نیات و مقاصد (۳) قدرت تحقق نیات و مقاصد خویش (۴) برخوردار از باور و معرفت (۵) برخوردار از عواطف، خواسته‌ها، امیال و آرزوها از ویژگی‌های شخص‌وارگی الوهیت است که نه‌تنها می‌توان به الوهیت نسبت داد، بلکه کتب مقدس به وی نسبت داده‌اند. ۱۳. مایکل پترسون و همکاران وی نیز، مختاربودن و قابلیت ارتباط با دیگران ۱۴ را از دیگر ویژگی‌های شخص‌وارگی شمرده‌اند. ۱۵ البته امکان انتساب ویژگی‌های شخص‌وارگی به الوهیت به نوع دیدگاه ما درباره دو مؤلفه تمایز یا عدم تمایز و تعالی یا عدم تعالی الوهیت بستگی دارد، زیرا اگر قائل به عدم تمایز یا تعالی الوهیت باشیم انتساب ویژگی‌های فوق به وی دشوار، بلکه ناممکن است. مثلاً، نمی‌توان با وی گفت‌وگو کرد، یعنی او با انسان یا انسان با وی سخن بگوید و به تعبیر دینی، دعا کند و وی را پرستش کند. ۱۶ بنابراین ناشخص‌وارگی به معنای عدم امکان انتساب حقیقی ویژگی‌های فوق به الوهیت است و باید انتساب ویژگی‌های فوق به الوهیت را مجاز یا استعاره شمرد.

۱۲. محمد لگنهاوسن و منصور نصیری، «آیا خدا شخص است؟»، جاویدان خرد ۱۵، شماره ۲ (اسفند ۱۳۹۶): ۲۲۷-۲۵۸؛ و مریم احمدی کافشانی، عبدالرسول کشفی، و محمدرضا بیات، «بررسی نسبت امر الوهی و شخص‌وارگی»، پژوهش‌های فلسفی کلامی ۲۳، شماره ۱ (فروردین ۱۴۰۰): ۵۵-۸۰.

13. Alvin Plantinga and Michael Tooley, *Knowledge of God* (Chennai, India: Blackwell Publishing Ltd, 2008), 1.

۱۴. آلیستر مک‌گراث نیز بر این ویژگی تأکید کرده است. آلیستر مک‌گراث، درسنامه الاهیات مسیحی، جلد ۲ (قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲)، ۴۰۰.

۱۵. مایکل پترسون و همکاران، عقل و اعتقاد دینی (تهران: طرح نو، ۱۳۷۶)، ۱۰۷.

۱۶. احمدی کافشانی، مریم، عبدالرسول کشفی، و محمدرضا بیات، «بررسی معناشناسی نیایش در خداآوری کلاسیک و همه‌خداآوری»، ادیان و عرفان ۵۵، شماره ۲ (آذر ۱۴۰۱): ۳۲۸.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به نکات فوق، می‌توان نتیجه گرفت که (۱) برای دستیابی به شناخت الوهیت ادله اثبات وجود الوهیت یا خداوند کافی نیست و نیازمند الگویی برای فهم چیستی الوهیت هستیم، وگرنه با انباشتی از اطلاعات غیرمنظم درباره او مواجه خواهیم بود. (۲) به نظر می‌رسد با تکیه بر تعریفی که در این مقاله از تصور از الوهیت ارائه شد، می‌توان این نیاز را چه در مقام ارائه‌کننده یک تصور چه در مقام داوری درباره تصور دیگران از امر الوهی، برآورده کرد. (۳) در این مقاله از تصور خاصی از الوهیت دفاع نشد و به همین جهت، به ادله آنها هم نپرداختیم، بلکه تنها الگویی ارائه شد تا بتوان به مدد آن به فهم روشن‌تر و دقیق‌تری از چیستی الوهیت دست یابیم. (۴) در پرتو این الگو، فهم روشن‌تری از تصورات سه‌گانه تئستیستی، پنتئیستی و پنتئیستی ارائه شد. (۵) این الگو نشان می‌دهد که اگر مانند اسپینوزا از عدم تمایز الوهیت یا مانند اکهارت و ابن عربی از تعالی الوهیت یا مانند مایکل لواین از ناشخص‌وارگی امر الوهی^{۱۷} دفاع کنیم، باید تفسیری از اوصاف انسانی الوهیت ارائه دهیم که با نوع تصور خویش از الوهیت متناسب باشد، وگرنه دچار نوعی ناسازگاری خواهیم شد؛ مثلاً برای رهایی از ناسازگاری چه بسا نتوان از راه تمثیل اوصاف انسانی الوهیت را تفسیر کرد و باید با تکیه بر کارکردهای زبان یا استعاره مفهومی جورج لیکاف (George Lakoff) (۱۹۴۱) و مارک جانسون (Mark Johnson) (۱۹۴۹) اوصاف انسانی الوهیت را تفسیر کرد.^{۱۸} در نهایت، اگرچه به مدد تعریف از تصور از الوهیت می‌توان تا حدود زیادی به فهم خویش و دیگران از الوهیت نظم و نسق بخشید، نمی‌توان با تکیه بدان درباره تصور آنان داوری کرد؛ زیرا تعریف فوق از تصور از الوهیت به‌مثابه چهارچوبی برای تعیین جایگاه مسائل گوناگون درباره الوهیت است و داوری درباره درستی یا نادرستی هر یک از مؤلفه‌های تصور به ادله هر یک از آنها بستگی دارد.

17. Micgael Levine, *Pantheism: a Non-Theistic Concept of Deity* (London: Routledge, 1994), 9-148.

۱۸. لیکاف با انتشار مقاله «نظریه استعاره معاصر» و انتشار کتاب استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم به همراه جانسون نشان داد که استعاره سرشتی مفهومی و معرفتی دارد که ریشه در ساخت تفکر انسان‌ها و تجربه‌های روزمره زندگی دارد. نظریه او این قابلیت را دارد که تصورات فوق از امر الوهی از آن در تفسیر اوصاف انسانی بهره بگیرند.

ارائه تعریف جدیدی از «تصور از الوهیت» به‌مثابه... / بیات ۶۷

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

احمدی کافشانی، مریم، عبدالرسول کشفی، و محمدرضا بیات. «بررسی معناشناسی نیایش در خداباوری کلاسیک و همه خداباوری»، ادیان و عرفان ۵۵، شماره ۲ (آذر ۱۴۰۱): ۳۱۵-۳۳۱.

10.22059/JRM.2022.346045.630366

احمدی کافشانی، مریم، عبدالرسول کشفی، و محمدرضا بیات. «بررسی نسبت امر الوهی و شخص وارگی»، پژوهش‌های فلسفی کلامی ۲۳، شماره ۱ (فروردین ۱۴۰۰): ۵۵-۸۰.

10.22091/JPTR.2020.5562.2337

پترسون، مایکل، ویلیام هاسکر، بروس رایشنباخ، و دیوید بازینجر. عقل و اعتقاد دینی. تهران: طرح نو، ۱۳۷۶.

فناهی، ابوالقاسم. «خدا همچون کنشگری اخلاقی (۱)»، هستی و شناخت ۹، شماره ۱ (اردیبهشت

۱۴۰۱): ۷۰-۷۱. <https://doi.org/10.22096/ek.2024.2019761.1535>

کاکایی، قاسم. وحدت وجود به روایت ابن عربی و مایستراکهارت. تهران: هرمس، ۱۳۹۳.

لگنهاوسن، محمد، و منصور نصیری. «آیا خدا شخص است؟»، جاویدان خرد ۱۵، شماره ۲ (اسفند

۱۳۹۶): ۲۲۶-۲۵۶. 20.1001.1.22518932.1396.14.32.11.4

مک گراث، آلیستر. درسنامه الاهیات مسیحی. جلد ۲. قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲.

ب- منابع عربی:

آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی. غرر الحکم و درر الحکم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

بابویه القمی، ابی جعفر محمد ابن علی بن الحسین معروف به شیخ صدوق. الامالی الصدوق. بیروت: المؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۰ ق.

متقی، علی ابن حسام الدین. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. لبنان: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.

ورام، مسعود بن عیسی. تبیه الخواطر و نزهة النواظر. بیروت: مکتبه الفقیه ۱۴۱۰ ق.

ج-منابع لاتین:

- Levine, Michael. P. *Pantheism, a Non-Theistic Concept of Deity*. London: Routledge, 1994.
- Mason, Richard. *The God of Spinoza*. Cambridge, New York, Melbourne, Madrid, Cape Town: Singapore, Sao Paulo, Delhi, Cambridge University Press, 1999.
- Owen, HuwParri. *Concept of deity*. London and Basingstok: Macmillan and Co Ltd, 1971.
- Plantinga, Alvin, and Michael Tooley. *Knowledge of God*. Chennai. India: Blackwell Publishing Ltd, 2008.